

بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر امنیت و نشاط اجتماعی کودکان (مطالعه موردی: منطقه ۲ شهرداری قزوین)

ابوالفضل کربلایی حسینی غیاثوند^۱، مهسا ستاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۰

از صفحه ۱ تا ۳۴

پژوهشنامه جغرافیای انسانی
سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۵

چکیده

پژوهش در حوزه شهرهای دوستدار کودک به‌طور خاص در اروپا از سال ۱۹۸۰ مورد توجه قرار گرفته است که با هدف ایجاد فرصتی برای کودکان در راستای شکل‌دادن و یا تغییر محیط پیرامون آنها می‌باشد. مکان علاوه بر بعد مادی از بعد غیرمادی نیز برخوردار بوده و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می‌کند. این حس تعلق مکانی بر نشاط اجتماعی و امنیت اجتماعی کودکان شهر تأثیر می‌گذارد که تحلیل این فرایند هدف این مقاله است. هدف دیگر معرفی کاربرد مدل‌های ساختاری، به‌علت چندبعدی بودن ابعاد بررسی و وجود متغیرهای مکنون، در حوزه مطالعات شهری است. پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی و از حیث روش پیمایشی محسوب می‌شود. جمعیت آماری این پژوهش کودکان ۱۲ تا ۱۸ ساله شهر قزوین می‌باشند که از این بین کودکان منطقه ۲ شهرداری قزوین به‌عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش از پرسشنامه محقق-ساخته استفاده شد و پس از اطمینان از پایایی و روایی آن در جمعیت نمونه توزیع گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج تحلیل داده‌ها مدل مفهومی ارائه شده را تأیید می‌کند. همچنین، نتایج پژوهش نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار حس تعلق مکانی بر امنیت اجتماعی و نشاط اجتماعی و تأثیر مثبت و معنادار امنیت اجتماعی بر نشاط اجتماعی در جامعه مورد مطالعه می‌باشد.

کلید واژه‌ها: شهر دوستدار کودک، حس تعلق مکان، امنیت اجتماعی، نشاط اجتماعی.

۱- دانشجوی دکتری تخصصی معماری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران، aqiyasvand@yahoo.com (نویسنده مسئول مکاتبات).

۲- کارشناس ارشد کاردرمانی، هیئت علمی دانشگاه بهداشت و پیراپزشکی زنجان، زنجان، ایران، E-mail: satari_mahsa@yahoo.com

مقدمه

کودکان عامل پیوند نسل‌های گذشته و آینده در هر جامعه محسوب می‌شوند. انتقال سنت‌ها، فرهنگ‌ها، اعتقادات و باورها و پیشینه‌های هویت‌بخش و در صورت لزوم اصلاح محیط اجتماعی نیز در هر جامعه توسط کودکان میسر است. مفهوم کودکی از منظر جامعه‌شناختی در اساس محصول دوران مدرنیسم است. کودکان به همان اندازه‌ای که مورد غفلت بوده‌اند به حاشیه نیز رانده شده بودند به این معنا که کودکان به‌عنوان بزرگسالان آینده‌ای نگریسته شدند که باید نقش بزرگسالان امروزی را ایفا کنند (Qvortro, 1993). اهمیت داشتن موضوع کودک و تشویق وی به یک زندگی جمعی زمینه‌سازی برای تعالی فکری و تربیتی او و ارتباط‌بخشیدن بین مسائل فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با تحلیل مسائل برای کودک به‌ویژه در ابعاد اجتماعی مسئله‌ای مهم است که مورد توجه جامعه‌شناسان و شهرسازان در جوامع امروزی قرار گرفته است و از نظر شهروندی و حقوق شهروندی قابل طرح است.

کودکان و نوجوانان به‌عنوان اعضای جامعه با مجموعه‌ای از خواسته‌ها و نیازهای خاص استفاده‌کنندگان محیط ساختگی هستند. نکته حائز اهمیت ورود کودکان به این پروژه است. کودکان می‌خواهند اجتماعی باشند و با هم‌سن و سال‌های خود و جامعه در ارتباط باشند. همچنین، آنان دوست دارند که وقت خود را در محیط‌های طبیعی صرف کرده و فعالیت داشته باشند. از این‌رو، امکانات می‌بایست در دسترس کودکان باشد و امکان پیگیری محیط شهری امن را برای آنان فراهم‌سازد (کیانی و اسماعیل‌زاده کواکی، ۱۳۹۱: ۵۲). امروزه توجه و تأکید برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به سطوح پایین‌تر و خردتر و عینی‌تر از زندگی شهری معطوف شده است (Friedman, 1993: 43). در این رابطه آنتونی گیدنز^۱ معتقد است که پدیده مدرنی چون پدیده شهروندی ارتباط ناگسستگی و دوسویه‌ای با جامعه دارد (گیدنز، ۱۳۷۹: ۳۷). یکی از موارد مهم در عرصه‌های زندگی شهری ایجاد فضاهای مناسب برای کودکان است (توسلی، ۱۳۶۹: ۱۸). کودکان در فضاهای شهری با افراد مختلف اعم از هم‌سن‌ها و افراد مختلفی که از نظر سطح فرهنگی و اجتماعی گوناگون‌اند تماس می‌گیرند. چنین فضاهایی به‌عنوان زبان

1- Anthony Giddens.

گویای شهر محسوب شده و مهمترین عامل ارتباط شهر با سایر اقشار است (صدوقیان زاده، ۱۳۷۵: ۷۷). عرصه‌های شهری، مناسب‌ترین بستر برای دستیابی به توسعه پایدار شهری و بستر اصلی رشد و پرورش کودک می‌باشد چراکه روابط بوم‌شناسانه با تجارب جمع و تحت میثاق اجتماعی و تعهدات اخلاقی اعضا ارج گذاشته خواهد شد و شیوه معیشت و بهبود سطح زندگی هماهنگ با ظرفیت‌های محیط و با دلسوزی نسبت به یکدیگر و نسل‌های آینده برگزیده خواهد شد (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۳۷).

در جریان گذر از مفهوم سنتی برنامه‌ریزی شهری مفاهیم جدیدی شکل گرفته که ماهیتاً از تبار علمی چون جامعه‌شناسی و حتی روانشناسی است و به دنبال زایش معنی میان‌رشته‌ای برنامه‌ریزی شهری را سبب گردیده است (خاکپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۴) که از جمله آنها می‌توان به حس تعلق مکان، امنیت اجتماعی و نشاط اجتماعی اشاره کرد. شهر شاد جامعه‌ای شاد و پر نشاط را به همراه خواهد داشت و همچنین، امنیت اجتماعی به‌عنوان یکی از نیازهای اصلی فرایند رشد کودکان در محیط در شهرهای بزرگ مطرح است. امروزه پیگیری رویکردهای مبتنی بر افزایش سرمایه اجتماعی در جوامع و همچنین استفاده از آن در سطوح مختلف فعالیت‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری به‌عنوان یک راه‌حل مؤثر در کاهش هزینه‌های اجتماعی و در نتیجه ارتقای کیفیت زندگی شهری شناخته می‌شود (داداپور، ۱۳۹۱: ۳۲). از طرف دیگر، پژوهش‌های برنامه‌ریزی شهری همانند بسیاری از تحقیقات انسانی باید با یک چارچوب نظری یا مدل مفهومی مناسب پشتیبانی شود. در این چارچوب نظری و مدل مفهومی متغیرها و عوامل مؤثر بر موضوع شناسایی و روابط آنها مشخص می‌شود. برای سنجش اعتبار و روایی این‌گونه مدل‌ها تکنیک‌ها و ابزار کمی متفاوتی وجود دارد. مدل‌سازی معادلات ساختاری یکی از این ابزارهای کمی و چندمتغیره است که به بررسی و برازش مدل پرداخته و امکانات انجام برخی اصلاحات در مدل را فراهم می‌کند (پورا احمد و قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۱). بنابراین، مسئله‌ای که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است نخست، بررسی چگونگی وضعیت حس تعلق مکان، نشاط و امنیت اجتماعی در جامعه نمونه مورد بررسی و سپس، بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر امنیت و نشاط اجتماعی می‌باشد. در این راستا، از روش‌های معادلات ساختاری بهره گرفته شده است. روشن-

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۵)

شدن ماهیت این روابط به برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران شهری به‌ویژه در حوزه‌های کودک کمک‌می‌کند تا تصمیم‌های بهتری را برای بهبود این مؤلفه‌ها اتخاذکنند.

اهمیت و ضرورت

طبق آمار آبان‌ماه سال ۱۳۹۰، از جمعیت ۱۲۰۱۵۶۵ نفری قزوین نزدیک به ۴۶۹۰۹۸ نفر یا ۴۰٪ از جمعیت کمتر از ۱۹ سال و به‌صورت دقیق‌تر ۳۶۳۷۴۴ یا ۳۰٪ را جمعیت کمتر از ۱۴ سال تشکیل می‌دهند اما بررسی‌ها نشان می‌دهد امکانات و تسهیلات شهر برای کودکان بسیار ناچیز بوده و جز چند بازیگاه کودک و بوستان‌های شهری فضای خاص دیگری برای آنها در نظر گرفته نشده است. قزوین شهری است که به‌سرعت به‌سوی پیشرفت و تبدیل شدن به یک کلانشهر گام برمی‌دارد. توسعه روزافزون شهر و ساخت‌وسازها در سال‌های اخیر در این شهر کاملاً محسوس می‌باشد. از سوی دیگر، برای کودکان یک محیط شهری خوب محیطی است که انتظارات کودک‌کی آنها را برآورده‌سازد. این محیط باید ضمن برقراری ارتباط منطقی با کودک و شرایط او تأمین‌کننده امنیت و شادی برای کودک در شهر باشد و از این راه باعث افزایش رفاه اجتماعی برای کودک گردد. توجه به این مطلب می‌تواند ضرورت و اهمیت مطالعه در حوزه‌های کودک و شهر و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رفاه اجتماعی آنها مانند امنیت و شادی را آشکارسازد.

اهداف پژوهش

- بررسی چگونگی وضعیت حس تعلق مکانی، نشاط اجتماعی و امنیت اجتماعی در جامعه نمونه مورد مطالعه؛
- بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر امنیت اجتماعی و نشاط اجتماعی کودکان در جامعه مورد مطالعه؛
- بررسی تأثیر امنیت اجتماعی بر نشاط اجتماعی کودکان در جامعه مورد مطالعه.

پیشینه پژوهش

طی سال‌های اخیر پیرامون شهر دوستدار کودک^۱ (CFC) در کشورهای پیشرفته مطالعات و تحقیقات زیادی انجام گرفته است. اولین بار در سال ۲۰۰۷ میلادی شهر «بندیکو»^۲ در استرالیا از طرف یونیسیف به عنوان شهر دوستدار کودک و نخستین شهری که تمام جنبه‌ها و ویژگی‌های یک شهر دوستدار کودک را از نظر یونیسیف به خود اختصاص داده بود انتخاب شد. در ایران نیز شهر «اوز» در استان فارس برای نخستین بار توسط مؤسسه پژوهش کودکان دنیا به عنوان شهر دوستدار کودک در فروردین ۱۳۸۹ انتخاب شد. در حوزه نظری نیز دریکسل^۳ کتابی با عنوان «ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و جوانان» تألیف کرده که سعیدی رضوانی و مهرنوش توکلی در سال ۱۳۸۷ آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند. در این کتاب به چند نمونه از برنامه‌های مشارکت‌دادن مستقیم کودکان در طراحی فضاهای شهری در نقاط مختلف دنیا اشاره شده است. همچنین، آقالطیفی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «مناسب‌سازی محیط برای خلاقیت کودکان» به بررسی و تبیین نقش محیط در خلاقیت کودکان و عوامل محیطی مؤثر بر آن پرداخته است. پژوهش‌های مختلف دیگری در ابعاد و زمینه‌های مرتبط با موضوع شهر دوستدار کودک در سطح دنیا انجام شده است. برای مثال، آرتر و همکاران درباره فعالیت‌های چندبخشی برای افزایش محیط‌های دوستدار کودک مقاله‌ای ارائه کردند (Arts et al, 2011: 11-19). هامپشیر و همکاران نیز به منظور افزایش سلامتی کودکان راهبردهایی مبتنی بر نقش درمانی عوامل منظر و چشم‌انداز محیطی ارائه کردند (Hampshire et al, 2001: 702-710).

همچنین مطالعاتی در رابطه با امنیت اجتماعی و نشاط اجتماعی انجام شده است. ادینگتون و شامن^۴ (۲۰۰۴) در خصوص بهزیستی ذهنی پژوهش کرده‌اند که یافته‌های آن بدین شرح است: مردان و زنان از نظر شادی تفاوت کمی با هم داشتند. زنان جوان اندکی شادتر از مردان جوان بودند ولی در مقایسه با مردان مسن شادمانی کمتری داشتند. بخش عمده‌ای از ارتباط بین تحصیلات و شادمانی از همبستگی تحصیلات با

1- Child-Friendly City: CFC.

- Bendigo.

3- Daivid Driskell.

4- Eddington & Shuman.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۵)

موفقیت شغلی و درآمد ناشی می‌شود. اسماعیل شیعه (۱۳۸۶) در خصوص آماده‌سازی شهر برای کودکان کتابی تألیف کرده است که نتایج آن بدین شرح است: نویسنده از دیدگاهی جامعه‌شناسی و روانشناسی کودک به موضوع برنامه‌ریزی شهری و ترسیم نقش و وظیفه شهر در پاسخگویی به نیاز کودکان می‌پردازد. پژوهش‌منیژه نویدنیا (۱۳۸۹) با موضوع «بررسی اولویت امنیتی شهروندان در مناطق مختلف تهران» نتایج ذیل را دربرداشت: امنیت وجودی، امنیت رفاهی، امنیت معنابخش به‌عنوان سه رکن اساسی امنیت شهروندان برآوردشده و تفاوت این ابعاد در مناطق مختلف مورد مقایسه قرار گرفته است. پژوهش لارسون^۱ (۲۰۰۰) با عنوان «به‌سوی یک روانشناسی رشد مثبت جوانان» یافته‌ها ذیل را دربرداشت: شادی و نشاط می‌تواند سلامت جسمانی و روانی را بهبودبخشد. افرادی که شاد هستند احساس امنیت بیشتری داشته‌اند و آن‌ها تصمیم‌می‌گیرند و دارای روحیه مشارکتی بیشتری بوده و نسبت به کسانی که با آن‌ها زندگی می‌کنند اظهار رضایت بیشتری می‌کنند.

پرسش‌های پژوهش

۱. جمعیت نمونه مورد بررسی از نظر حس تعلق مکان، نشاط و امنیت اجتماعی چه وضعیتی دارد؟
۲. آیا حس تعلق مکانی منجر به افزایش امنیت اجتماعی و نشاط اجتماعی کودکان در شهر می‌شود؟
۳. آیا ارتقای امنیت اجتماعی کودکان در شهر بر بهبود نشاط اجتماعی آنان تأثیر دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. به نظر می‌رسد مؤلفه‌های مورد مطالعه شامل: حس تعلق مکان، نشاط و امنیت اجتماعی باتوجه به تعداد سال‌هایی که پاسخ‌دهندگان در محله خود زندگی کرده‌اند و همچنین جنسیت آن‌ها دارای نتایج متفاوتی باشد؛

1- Larso.

۲. بین هریک از عوامل مدل مفهومی پژوهش و شاخص‌های آن ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد؛
۳. حس تعلق مکانی اثر مثبت و معناداری بر امنیت اجتماعی کودکان در شهر دارد؛
۴. حس تعلق مکانی دارای اثر مثبت و معناداری بر نشاط اجتماعی کودکان در شهر دارد؛
۵. امنیت اجتماعی کودکان دارای اثر مثبت و معنادار بر نشاط اجتماعی آنان در شهر می‌باشد.

روش تحقیق

جمعیت آماری، فنون گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش‌شناسی این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی، از نظر استراتژی پژوهش پیمایش، از نظر شیوه پژوهش کمی و رویه جمع‌آوری داده‌ها نیز پرسشنامه می‌باشد. جمعیت آماری این پژوهش کودکان ۱۰ تا ۱۸ ساله شهر قزوین می‌باشند که برای بررسی فرضیه‌های پژوهش منطقه ۲ شهرداری قزوین به‌عنوان جمعیت نمونه انتخاب شد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است به طوری که حجم نمونه در حدود ۲۳۰ نفر به دست آمد ولی از آنجاکه روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش از نوع معادلات ساختاری می‌باشد لازم است که به ملاحظات موجود در رابطه با تعیین حجم نمونه در این روش نیز توجه شود. در همین راستا کامری (۱۹۷۳) پیشنهاد کرده است که گروه نمونه ۲۰۰ نفری مناسب است. همچنین، براساس یک قانون دیگر بیان شده که تجزیه و تحلیل قابل قبول مستلزم گروه نمونه‌ای است که حجم آن دست کم ۱۰ یا ۲۰ برابر عده متغیرها باشد که در ماتریس همبستگی وارد شود (هومن، ۱۳۹۰: ۳۸۰). بنابراین، با توجه به موارد بالا ۳۰۰ پرسشنامه توزیع شد که در نهایت ۲۶۰ پرسشنامه بازگشت داده شد. برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط نرم‌افزارهای SPSS20 و LISREL8.8 انجام شده است.

پایایی و روایی و ابزار سنجش

ابزار سنجش - پرسشنامه تأثیر حس تعلق مکانی بر امنیت و نشاط اجتماعی کودکان - در چند مرحله ساخته شد:

مرحله نخست: با انجام یک آزمون باز نگرش کودکان در مورد موضوع به صورت تشریحی مورد مطالعه قرار گرفت؛

مرحله دوم: براساس فرضیه و ادبیات موضوع جدول هدف^۰ محتوا تنظیم شد به این صورت که مؤلفه‌های اصلی پژوهش در سطر و ستون‌های اصلی جدول هدف^۰ محتوا قرار گرفتند. در خانه‌های جدول در محل تقاطع هر سطح و ستون دست‌کم یک سؤال طراحی شد که ضمن پرسش در مورد سطر اهداف را نیز ارزیابی می‌کرد؛

مرحله سوم: اطمینان از گویایی و وضوح سؤال‌های پرسشنامه پس از انجام دادن آزمون شفاهی با گروه کوچکی از کودکان مشتمل بر ۲۰ نفر به دست آمد به این ترتیب که از آنان خواسته شد پرسش‌ها را یک‌به‌یک بخوانند و مفهوم هر سؤال را توضیح دهند؛

مرحله چهارم: پس از اطمینان از روایی پرسش‌ها آزمون مقدماتی با ۵۰ نفر از کودکان اجرا شد. آنگاه سؤال‌های پرسشنامه مقدماتی با روش تحلیل عامل بررسی و سؤال‌های نامناسب حذف شدند. در نهایت، پرسشنامه اصلی با ۳۵ سؤال تنظیم شده و اعتبارسنجی و روایی آن مورد بررسی قرار گرفت.

در پژوهش حاضر تعیین پایایی و روایی پرسش‌ها با روش آلفای کرونباخ انجام شد. عدد آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۸۴ پایایی مطلوبی را برای سؤال‌ها نشان داد. همچنین، برای تعیین روایی پرسشنامه از روایی محتوایی، روایی صوری و سازه‌ای بهره گرفته شد. هنگام طراحی سؤال‌ها برای تأیید روایی محتوایی از جدول هدف^۰ محتوا استفاده شد. اعتبار صوری سؤال‌های پرسشنامه با تأیید اساتید مجرب و متخصص در حوزه‌های شهرسازی و طراحی شهری، که با موضوع پژوهش آشنایی داشتند، به دست آمد. تعیین روایی سازه‌ای نیز با روش تحلیل عاملی انجام شد. همچنین، برای تحلیل پرسش‌ها از دو روش محاسبه ضریب تمیز و روش لوپ بهره گرفته شد.

در پژوهش حاضر باتوجه به آن که ضریب همسانی نباید کمتر از $0/7$ باشد و با در نظر گرفتن ضریب پایایی کل آزمون ($0/884$)، ضریب پایایی هر پرسش جداگانه محاسبه شد و مشخص شد با حذف ۶ پرسش از پرسشنامه، ضریب پایایی افزایش می‌یابد یعنی پرسش‌های یاد شده با سایر پرسش‌ها همسانی بیشتری داشته و برای افزایش دقت ابزاری قابل حذف می‌باشند.

معرفی متغیرهای پژوهش

مؤلفه‌ها و متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش شامل حس تعلق مکان، امنیت اجتماعی و نشاط اجتماعی می‌باشد که باتوجه به ویژگی‌های محدوده مورد مطالعه، بررسی نمونه‌های جهانی و مرور ادبیات موضوع انتخاب شده است. در سطح بعدی گویه‌های این مؤلفه‌ها قرار می‌گیرند و در سطح آخر پرسش‌های مناسب برای بررسی گویه‌ها قرار دارند.

معرفی محدوده پژوهش

قزوین یکی از پرجمعیت‌ترین شهرهای ایران و مرکز استان قزوین در کشور ایران است. مساحت این شهر 5693 کیلومتر مربع و جمعیت آن برابر با 464323 نفر می‌باشد (سرشماری سال 1390). این شهر در 130 کیلومتری غرب تهران واقع شده و دارای 3 منطقه شهرداری می‌باشد. برای انجام این پژوهش منطقه 2 شهرداری قزوین به‌عنوان جمعیت نمونه انتخاب شد و مورد بررسی قرار گرفت.

مفاهیم، نظریه‌ها و چهارچوب نظری پژوهش

مفهوم مکان و ارتباط آن با رشد کودک

مطالعات و تحقیقات متفاوت صورت گرفته در مورد بحث مکان از دیدگاه‌های متعدد همگی در یک نکته اتفاق نظر دارند که تفسیر معنای مکان شامل تعامل پیچیده بین پاسخ‌های ادراک شناختی و عاطفی به محیط است و عوامل برخاسته از زمینه در این خصوص نقش بارزی دارند چراکه درک انسان از مکان وابسته به فیزیک فضا و همچنین تجربه وی از آن است. از آنجاکه یکی از مؤلفه‌های سازنده مکان زمان و تجربه انسان در

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۵)

فضا است، که دائماً در حال نوشدن است، مکان ماهیتی سیال و غیرثابت پیدامی کند و ترکیب «فضا» و «ادراک انسان از فضا» ماهیت مکان را می‌سازد (منصوری، ۱۳۸۹: ۳۱).

از بعد روانشناختی درک معنا به واسطه شناخت غیرمستقیم یا حرکت در خارج از جریان وقایع ادراک-کنش صورت می‌گیرد. به عبارتی، وقتی فردی در ارتباط مستقیم با موضوعی قرارگیرد آگاهی و شناخت کامل صورت نمی‌پذیرد. بنابراین، کودکان نیز تنها به واسطه بازتاب محیط در تجاربشان معنا و ارزش ارتباط با مکان را خواهند آموخت زیرا آگاهی در حین تجربه مستقیم به کمترین حد خود می‌رسد تا حدی که مواجهه با جهان تقریباً ناخودآگاه و عادی به نظر می‌رسد و مرز تجربه بین خود و جهان مورد اغفال واقع می‌شود (Hefft, 2003: 151). شناخت غیرمستقیم این امکان را برای کودکان فراهم می‌کند تا تجربه مکان را در ذهن خود منعکس سازند و ماهیت ارتباط خود را با مکان به واسطه تجربه تعیین نمایند.

مشارکت کودکان به عنوان شهروند

رویکرد جامعه‌شناختی، جدیدترین رویکرد پس از نظریات کودک محور است. این رویکرد کودک را یک فعال اجتماعی تلقی می‌کند که بحث از شخصیت او در ارتباط با فضاهای مختلف شکل می‌گیرد. خانه، مهد کودک، مدرسه، پارک و دیگر فضاهای عمومی چون خیابان‌ها، کوی‌ها و کوچه‌ها باید قابلیت برآورده کردن نیازهای زیستی، آموزشی و فراغتی کودک را داشته باشند؛ اما شهر مدرن، نه تنها نمی‌داند چگونه کودک را ببیند، بلکه ترجیح می‌دهد او را تا زمانی که به سن رویارویی با محیط شهری برسد در اماکن محافظت شده مانند زمین‌های بازی نگه دارد (منصوری و قره بیگلو، ۱۳۹۰: ۶۳).

دو طرح "شهر خلاق" و "شهر سالم" به لزوم تنوع کاربری‌ها زمین، سرزندگی شهر و بروز خلاقیت، تأمین امنیت و ایجاد فضاهای دفاع پذیر برای تمامی شهروندان و از جمله کودکان اشاره می‌کنند؛ اما مهم‌ترین نظریه‌ها تاکنون با عناوین "شهر برای کودک" و "شهر برای همه" شناخته شده‌اند که به الگوی "شهر دوستدار کودک" و "شهر انسان‌گرا" انجامیده‌اند. مورد اول پدیده‌ای وارداتی است؛ که در برخی شهرهای جهان اجرا شده و پرتعدادترین و جدیدترین نظریه حال حاضر است. مورد دوم یعنی میزان تناسب شهرهای گذشته ایران با نیازهای کودکان باید از نظر میزان، چگونگی و

امکان تأثیر آن، کارشناسی دقیق شود، لذا بر پایه رویکرد جامعه‌شناسی کودکان، طرح "شهر دوستدار کودک" به‌عنوان مبنایی برای ارائه راهبردهای ایجاد منظر شهری دوستدار کودک در نظر گرفته می‌شود.

شهر دوستدار کودک

مفهوم شهر دوستدار کودک در راستای نظریه‌های حقوق شهروندی برای کودکان است که از سال ۱۹۹۰ پیگیری می‌شود. طرح‌های دوستدار کودک در تلاش برای مشارکت دادن بچه‌ها در شکل‌دادن به محیط اطرافشان است (کامل‌نیا و حقیر، ۱۳۸۸: ۸۰). به گزارش یونیسف^۱ (۲۰۰۴) امروزه تعداد زیادی از کودکان شهر در فقر شدید و محیط‌های پرخطر برای زندگی به‌سر می‌برند. در گزارشی با عنوان «فقر و محرومیت در بین کودکان شهر» کول گوتام^۲ اظهار کرد که میلیون‌ها کودک در شهرها از خدمات اجتماعی اساسی نظیر آموزش و بهداشت محروم‌اند. این کودکان مستحق زندگی در محیط امن هستند و به کسانی احتیاج‌دارند تا آنها را از استثمار و سوءاستفاده‌ها محافظت کنند (دهقان منشادی، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

شهر دوستدار کودک شهری است که در آن خواسته‌های کودک در اولویت قرار گرفته و شرایط اجتماعی، فرهنگی و معماری شهر همسو با نیاز آنها است و حقوق کودکان در سیاست‌ها، قوانین، برنامه‌ها و بودجه‌ها منعکس می‌شود. رویکرد شهر دوستدار کودک شهر را به سمتی سوق می‌دهد که در آن کودکان نقش مؤثری در مورد شهر خود داشته و نظرات آنها در تصمیمات شهری ابراز شود و خانواده‌ها و اجتماع نیز موظف‌اند کودکان را در مسائل مهم و تصمیم‌گیری‌ها دخیل کنند. در واقع، شهر دوستدار کودک مکانی است که کودکان در آن احساس امنیت و آرامش می‌کنند و قادرند به کاوش و یادگیری در مورد فضاهای پیرامون خود بپردازند. یک شهر دوستدار کودک یک شهر دوستدار مردم نیز می‌باشد (کربلایی حسینی غیاثوند و سهیلی، ۱۳۹۲: ۶۱). ایجاد محیط‌های شهری که واقعاً از جامعه کودکان حمایت‌کنند نیاز به بررسی و مطالعه دارند که گستره‌ای از موضوعات در سطوح مختلف محلی، ملی و جهانی است (کیانی و اسماعیل‌زاده کواکی، ۱۳۹۱: ۵۳).

1- United Nations Children's Emergency Fund: Unicef.

2- Kul Gautam.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۵)

اساساً شهر دوستدار کودک به دنبال ضمانت تمامی حقوق این شهروندان جوان است. تصمیم‌گیری در خصوص شهر، مشارکت در خانواده، جامعه و زندگی اجتماعی، دسترسی به خدمات اساسی مانند سلامتی، آموزش و سرپناه، نوشیدن آب سالم، محافظت در برابر خشونت و جنایت، امنیت در فضای شهری، ملاقات با دوستان و بازی کردن و در نهایت به رسمیت شناختن کودکان به‌عنوان یک شهروند با داشتن دسترسی به همه خدمات بدون توجه به نژاد، مذهب و ناتوانی‌ها از جمله این حقوق است (Riggio, 2002; Aitken & Stoneham, 2011: 3).

بی‌شک برای دستیابی به اهداف شهرهای دوستدار کودک و محیط موردنیاز و علاقه کودکان نیاز به مشارکت آنها در ساخت و برنامه‌ریزی شهر می‌باشد و این امر نیازمند توجه بزرگسالان و مسئولان شهری به نقش کودکان است ولی آنچه در واقعیت با آن روبه‌رو هستیم این است که بسیاری از بزرگسالان با این که خود را حامی کودکان و نوجوانان می‌دانند دیدگاهی نسبتاً متفاوت نسبت به آنها در شهر دارند که موجب کمرنگ شدن نقش کودکان در شهر می‌شود. به‌طورمثال، ممکن است آنها کودکی را دوران حساسی بدانند که کودک را باید از مسائل بزرگسالان دور نگاه دارند یا ممکن است مشارکت آنها را یک «حس خوب» ولی با ارزش اندک بدانند. [دریکسل، ۱۳۸۷: ۲۹]. ویژگی‌های شهر دوستدار کودک در جدول شماره (۱) بیان شده است (UNICEF, 2002; Aitken & Stoneham, 2011: 3):

جدول (۱): ویژگی‌های شهر دوستدار کودک

ردیف	ویژگی‌ها
۱	کودک در تصمیم‌های مربوط به شهر تأثیرگذار است
۲	تأثیر تصمیم‌گیری در مورد شهر و اظهارنظر خود را درباره آن می‌بیند
۳	عقایدش را در مورد آنچه از شهر می‌خواهد بیان می‌کند
۴	شرکت در خانواده، جامعه و زندگی اجتماعی شامل رویدادهای فرهنگی و اجتماعی
۵	دریافت خدمات اساسی مانند: مراقبت‌های بهداشتی و آموزش و پرورش و خدمات اجتماعی
۶	آب سالم می‌آشامد و به فاضلاب مناسب دسترسی دارد
۷	در مقابل بهره‌جویی، خشونت و آزار محافظت شده است
۸	با ایمنی در خیابان‌ها و با استقلال خودش راه می‌رود
۹	از فضاهای سبزی که در آن گله و حیوانات وجود دارد بهره‌مند است

ردیف	ویژگی‌ها
۱۰	زندگی در محیط سالم و عاری از آلودگی
۱۱	ملاقات با دوستان و بازی با آنها
۱۲	احساس تعلق و اتصال به جامعه

(Source: UNICEF, 2002; Aitken&Stoneham, 2011:3)

فهم دیدگاه کودکان به‌عنوان ابزاری برای معنادادن به محیط «دوستدار کودک» از مفاهیم پیچیده و بغرنج زمان حال است که با هدف بهبود کیفی محیط مصنوع از طریق فهم ارزش‌ها و خواست‌های کودکان، و نه صرفاً دخالت ظاهری در آنها، نیازمند تحقیقاتی درمورد نحوه درک صحیح این تعامل و تسهیل مشارکت آنان است. نکته مهم در نظر گرفتن تک‌تک کودکان به‌عنوان شخصیت منحصر به فرد و نه به‌عنوان بزرگسال رشد نیافته است (Lee, 2001: 23). تحقیقات انجام‌شده در خصوص مشارکت کودکان فرایندی ۳ مرحله‌ای را پیشنهاد می‌نماید (Skivenes&Strandbu, 2006: 13).

الف) سطح ساختاری: این سطح به حقوق و موقعیت کودکان در جامعه و حمایت قانون از آنها و نیز به وظیفه مسئولان در قبال کودکان به‌عنوان شهروندان جامعه می‌پردازد. مشاوره مسئولان و متولیان امر با کودکان ویژگی اصلی این سطح است؛

ب) سطح شخصی: در این سطح هر کودک به‌عنوان شخصی حقیقی با علایق و عقاید مشخص و ناظر زیرک محیط اطرافش مطرح است که اگر آزادی عمل داشته باشد پژوهشگری نکته‌سنج و متفکری ماهر با فطرتی پاک است. بحث اصلی این سطح، زندگی زمان حال کودک است نه زندگی آینده وی در دوران بزرگسالی؛

ج) سطح شخصی-ارتباطی: در این سطح واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی محیط‌های متفاوت زندگی کودکان مورد بحث است.

بر این اساس، درباره شهر موردپسند کودکان نکات زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

– ایمنی و امنیت کودکان؛

شادی کودکان؛

– احساس احترام و ارزش داشتن کودک؛

- سلامت کودک؛

تعلق کودکان به شهر؛

دسترسی به خدمات و فعالیت‌های متنوع؛

فرصت‌های اکتشافی و تماس با طبیعت و فضای سبز.

بررسی و تحلیل نظریه‌های مربوط به طرح‌های دوستدار کودک نشان می‌دهد که توجه به فضای شهری و ارتقای کیفیت آن باعث بهبود مشارکت اجتماعی کودک در تصمیم‌گیری و طراحی از طریق انجمن‌ها و همایش‌ها می‌شود که می‌تواند احساس تعلق کودکان به شهر خود را افزایش داده و در جهت دستیابی به محیطی امن و شاد برای کودکان مؤثر واقع گردد (کامل‌نیا و حقیر، ۱۳۸۸: ۷۹). در واقع، فضای شهری بازتابی از فرهنگ جامعه است. به‌طور کلی، شهرها در روند اجتماعی‌شدن افراد نقش به‌سزایی دارند. اگر مشارکت کودکان در شهرها مورد توجه قرار گیرد می‌توان انتظار داشت که در مقابل، حس تعلق آنها به محل سکونتشان نیز افزایش یابد. آنها خود را جزئی از یک کل تصور می‌کنند و احساس تعلق و تعهد به شهر خود داشته و می‌توان بیان کرد که اگر شهری سالم و ایمن داشته باشیم می‌توان شادی و توسعه پایدار را برای آینده آن جامعه رقم زد (جعفری، سیادت و بهادران، ۱۳۸۷). با توجه به مباحث مطرح شده در مورد شهر دوستدار کودک نتیجه حاصل می‌شود که مفهوم حس تعلق مکان، نشاط اجتماعی و امنیت اجتماعی قابل‌بحث و بررسی است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

حس تعلق مکان^۱

مطالعات انجام شده خاطرات دوران کودکی در مورد مکان‌های مناسب مانند لاکاشوک و لینچ^۲ (۱۹۵۶)، لاد^۳ (۱۹۷۷)، هستر^۴ (۱۹۷۹)، کوپر ماکوس^۵ (۱۹۷۸) و وایمن^۶ (۱۹۸۵) و سوپل^۷ (۱۹۹۰) و مطالعات مربوط به استفاده کودکان از مکان

1- Sense of place.
2- Lukashok and Lynch.
3- Ladd.
4- Hester.
5- Cooper Marcus.
6- Wyman.
7- Sobel.

مانند هارت^۱ (۱۹۷۹) و مور^۲ (۱۹۸۶) نشان داده‌اند که عواطف قوی نسبت به مکان وجود دارد. از طرف دیگر، مکان‌ها می‌توانند احساسات حریم خصوصی، کنترل و امنیت را فراهم آورند.

در گذشته بسیاری از جغرافیدانان هدف و موضوع اصلی جغرافیا را مطالعه مکان و فضا می‌دانستند ولی امروزه بسیاری به اهمیت فضا و مکان در فرایندهای اجتماعی توجه و آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند. این چرخش را می‌توان در آثار علمی گیدنز^۳، فوکو^۴، بوردیو^۵، لوفور^۶، گریگوری^۷، سوجا^۸ و دیگران مشاهده کرد (رضوانی و احدی، ۱۳۸۸: ۴۶). مقصود از مکان جای خاصی است در سطح زمین که محدود به موقعیتی است با هویت و شناسایی شدنی که ارزش‌های ویژه و معینی با خود دارد (هاگت، ۱۳۷۳: ۱۶). مکان علاوه بر بعد مادی از بعد غیرمادی نیز برخوردار است و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می‌کند. به واسطه این احساسات نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد شده که منجر به شکل‌گیری هویت مکانی می‌شود. این نیروی معنوی «حس مکان» نامیده می‌شود (Semken & Freeman, 2008: 43). مفاهیم مکان، احساس مکانی و بی‌مکانی از مفاهیم اصلی‌ای هستند که جغرافیدانان اولیه نظیر، یی‌فو توان^۹ و ادوارد رلف^{۱۰} در حوزه جغرافیایی انسانی مطالعه کرده‌اند.

در مجموع، حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌وبیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد (فلاحت، ۱۳۸۵: ۵۷).

1- Hart.

2- Moore.

3- Anthony Giddens.

4- Michel Foucault.

5- Pierre Bourdieu.

6- Henri Lefebvre.

7- Gregory.

8- Soja.

9- Edward Ralph.

10- Yi-Fu Tuan.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۵)

کوچه و خیابان برای کودک باید فراتر از یک گذر، معبر و یک فضای مکث و فعالیت جمعی باشد. محیط کوچه‌ها و خیابان‌ها، که به‌عنوان فضاهای بازی غیررسمی تلقی می‌شوند، امکان تعامل گروه همسالان با اجتماع پیرامون در محلی نه‌چندان دور از محل زندگی را فراهم می‌آورد. این امر نقش مهمی در رشد ذهنی، شناختی و اجتماعی کودکان دارد تا حدی که زمین‌های بازی طراحی شده نمی‌تواند جایگزین آنها شود. لذا، طراحی کوچه‌ها و خیابان‌ها همانند زمین‌های بازی می‌بایست در راستای یادگیری کودکان نسبت به مفاهیم، روابط، شکل‌ها، اندازه‌ها، رنگ‌ها و وسایل زیبایی‌شناختی صورت گیرد (Moor, 1990: 35). فعالیت در فضاهای جمعی شهر، لذت، آموزش، اعتماد به نفس، خلاقیت، ماجراجویی و کشف را به دنبال دارد.

تعامل کودکان در محله‌ها باعث انگیزش حس تعلق به مکان و هویت در کودکان می‌شود. تعلق مکانی در واقع رابطه‌ای است که میان کودک و محیط برقرار شده و براساس این رابطه محیط به یک لنگرگاه روانی تبدیل می‌شود. بنابراین، تعلق به مکان از عناصر تقویت‌کننده هویت است و احساسی است که به مرور زمان شکل می‌گیرد (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۲۹). با ایجاد حس تعلق به محله کودک به محض خروج از خانه محیطی نیمه‌خصوصی-نیمه‌عمومی را ترک مرز محله‌ها تجربه کرده و آرام‌آرام وارد فضای کاملاً عمومی و غیرقابل پیش‌بینی شهر می‌شود. حس تعلق به مکان از حفظ نمادهای شهری، ویژگی‌های خاص فرهنگی-اجتماعی زندگی و میزان و نحوه فعالیت کودکان در فضاهای جمعی نشئت می‌گیرد.

نشاط اجتماعی

وینهون^۱ (۱۹۹۳) جامع‌ترین و درعین حال عملیاتی‌ترین تعریف را از شادمانی ارایه کرده است. براساس این تعریف شادمانی به درجه یا میزان قضاوت شخص درباره مطلوبیت کیفیت کل زندگی خود اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، شادمانی به این معنا است که فرد به چه میزان زندگی خود را دوست دارد (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱: ۵۱). نشاط اجتماعی از مؤلفه‌های رفاه اجتماعی به‌شمار می‌رود و پیش از مداخله‌های پزشکی و روانی به عوامل اجتماعی و اقتصادی وابسته بوده و درعین حال یکی از مفاهیم محوری

1- Vienna Hun.

توسعه پایدار است. نشاط در فرایند رابطه فرد با جامعه و گروه تحقق پیدا می‌کند. در غیر این صورت از منظر ناظر بیرونی نشاط چیزی جز مجموعه‌ای از کیفیات روحی و هیجان‌های طرب‌انگیز فردی نخواهد بود. اگر این کیفیات فرح‌بخش واجد معنای اجتماعی و اهداف جمعی نباشند تعریفی جز برخی حالات نابهنجار روحی جنون‌آمیز نخواهند داشت. بنابراین، نشاط اجتماعی همان سطح برخورداری از مواهب زندگی عمومی همراه با اقتناع ذهنی و اجتماع عینی است. یعنی باید تعریف فردی و بیرونی از نشاط با هم مقارن باشند (عنبری، ۱۳۹۱: ۳۵).

از لحاظ مفهومی این پدیده هرچند از زوایای گوناگون تعریف شده است ولی در هر حال نشاط اجتماعی از طریق هنجارهای جامعه معنا می‌یابد. به‌طور کلی، می‌توان گفت نشاط و شادی تحت تأثیر جامعه محیط فیزیکی و شرایط فردی انسان‌ها قرار دارد. شادکامی موجب تحرک فیزیکی و شکوفایی ظرفیت‌های جدید در جامعه می‌شود. برقراری گسترده روابط اجتماعی در شهر گسترش مشارکت‌های مردمی و هدفمندی جامعه از آثار نشاط اجتماعی است (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳).

نشاط و شادابی کودکان در گروه فضاهای عمومی جذاب، مطلوب و شاداب است که در حال حاضر، اکثر کودکان محیط فیزیکی و فضای اجتماعی شهر را ملال‌آور، کسالت‌بار و بدون تحرک، پویایی، شادی و شادمانی و در برخی موارد خفقان‌آور می‌دانند (جعفری، سیادت و بهادران، ۱۳۸۷: ۳۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که شادی، صرف‌نظر از چگونگی کسب آن، می‌تواند سلامت جسمانی را بهبود بخشد. افرادی که شاد هستند احساس امنیت بیشتری می‌کنند، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، روحیه مشارکت دارند و نسبت به کسانی که با آنها زندگی می‌کنند بیشتر احساس رضایت می‌کنند (مایرز، ۲۰۰۲). نشاط اجتماعی به‌عنوان یکی از مهمترین و مؤثرترین شاخص‌های اجتماعی در گسترش رضایت عمومی از زندگی، بسط تعاملات اجتماعی سازنده، رشد اعتماد عمومی، امنیت و مشارکت همه‌جانبه اجتماعی به‌شمار رفته و چندین دهه است که به‌عنوان موضوعی بین‌رشته‌ای در پژوهش‌های اجتماعی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۵)

عوامل و متغیرهای زیادی بر نشاط اجتماعی تأثیرگذارند که یکی از این عوامل مشارکت اجتماعی افراد، به خصوص کودکان است (موسوی، ۱۳۸۵: ۶۸). لیوومیرسکی^۱ و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهش خود درباره نشاط به این نتیجه رسیده‌اند که شادی و نشاط از سه جزء تشکیل شده‌اند: عوامل ژنتیکی (۵۰٪ سهم)، شرایط محیطی (حدود ۱۰٪ سهم) و فعالیت‌های آگاهانه (حدود ۴۰٪ سهم). بر این اساس، عوامل اصلی، که بر سطح دایمی شادی تأثیر خواهند داشت عبارت‌اند از: نقطه ثابت، شرایط زندگی و فعالیت‌های آگاهانه (با نیت قبلی). منظور از نقطه ثابت سهم معین و ثابتی از شادی است که از والدین به ارث می‌رسد و موروثی است (مونتیتر، ۲۰۰۴: ۳). جزء دوم، شرایطی است که فرد در آن زندگی کرده و محیط جغرافیایی و فرهنگی منطقه را شامل می‌شود (لیوومیرسکی و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۳۴-۱۳۵). جزء سوم، دسته وسیعی از فعالیت‌هایی است که مردم انجام می‌دهند و یا در فکر انجام آن هستند. تفاوت جزء دوم و سوم این است که جزء دوم تقریباً تصادفی و اتفاقی است ولی جزء سوم فعالیت‌های آگاهانه‌ای است که در اختیار خود فرد است (همان: ۱۰۹-۱۱۲).

امنیت اجتماعی

مقوله امنیت از ابتدای خلقت انسان به‌عنوان یک ضرورت در بقاء مطرح بوده است و گذشت زمان بر اهمیت آن افزوده است. امنیت برآیند مجموعه‌ای از تعاملات و سازگاری بین اجزای مختلف نظام اجتماعی می‌باشد و بدون شک پویایی هر نظام سیاسی و اجتماعی در گرو احساس امنیت است (فرهادپور، رجب‌پور و خامسان، ۱۳۹۱). در یک تقسیم‌بندی کلی امنیت را می‌توان به دو نوع امنیت فردی و اجتماعی تقسیم نمود. یعنی هنگامی که بحث از امنیت به میان می‌آید این موضوع را هم در حوزه فردی و هم در حوزه اجتماعی باید مدنظر قرارداد. البته این دو حوزه ظاهراً جدا از یکدیگرند ولی درحقیقت ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. امنیت اجتماعی به کیفیت رابطه بین جامعه و اعضایش اشاره دارد که توسط جامعه یا اجتماع به وجود می‌آید (رفیعیان و فدایی، ۱۳۸۸).

ایمنی و امنیت اجتماعی به‌عنوان یکی از نیازهای اصلی فرایند رشد کودکان در محیط شهرهای بزرگ جوامع معاصر یکی از چالش‌های اصلی مدیریت شهری مطرح شده است.

1- Lyvv Myrsky.

امروزه مسائلی مانند کانون‌های جرم‌خیز، مکان‌های بی‌دفاع شهری و مدیریت و پیشگیری از جرم از طریق طراحی شهری به بخشی از ادبیات موجود درباره شهرها تبدیل شده است. باتوجه به نقش و موقعیت گروه‌ها و عوامل مؤثر بر آن باتوجه به شرایط هریک از گروه‌ها متفاوت است. شناخت عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی کودکان یا عوامل تهدیدکننده آن به چگونگی ارتباط کودک با محیط‌های شهری و معیارهای مطلوب کودکان بستگی دارد (شرکت بین‌المللی پردازش اطلاعات نقش کلیک، ۱۳۹۵). امنیت اجتماعی کودکان از زاویه انحرافات و آسیب‌های اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است. برخی در یک دسته‌بندی کلان کلیه علل و عوامل مطرح‌شده توسط صاحب‌نظران را به ۳ دسته بزرگ زیست‌شناختی، روانشناختی و جامعه‌شناختی تقسیم کرده‌اند. از این منظر کالبد زیستی یا صفات شخصیتی و یا ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی ناهنجاران و غیر آنان متفاوت است و همین تفاوت‌ها را علت اصلی ارتکاب جرم ناهنجاری برشمرده‌اند (رابینگن و واینبرگ، ۱۳۹۳: ۸۳). چنان‌که در جامعه‌شناسی نظریه‌های مختلفی همچون نظریه وفاق، نظریه فشار و نظریه مجرم‌سازی برای تبیین بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان به‌عنوان بخشی از قلمرو مفهومی امنیت اجتماعی کودکان به کار گرفته‌شده و مطالعات مختلفی در چارچوب این نظریه‌ها انجام شده است. به‌طور کلی، پرداختن به چگونگی حضور کودکان در فضاهای عمومی شهر و به‌تبع آن نگاه به امنیت اجتماعی از منظر کودکان پدیده‌ای به‌نسبت جدید است که با تحولات ساختار خانواده از یک سو و موضوع مراقبت کودکان در شهرهای جوامع پیشرفته از سوی دیگر وارد کردن ملاحظات سنی در طراحی و برنامه‌ریزی شهرها مرتبط است.

کودک به‌شدت نسبت به عوامل تهدیدکننده محیطی حساسیت فیزیکی و روانی دارد. وی به شرطی در محیط، محله و ناحیه مسکونی فعالیت می‌کند که کلیه حواس وی در وضعیت متعادل، آسایش و ایمنی باشد (حسینی و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۸). کودکان با امنیت ذهنی و ایمنی فیزیکی فضاهای عمومی محله و شهر خود را به‌عنوان قلمرو مسکونی و در امتداد فضای خانه خود تصور می‌کنند.

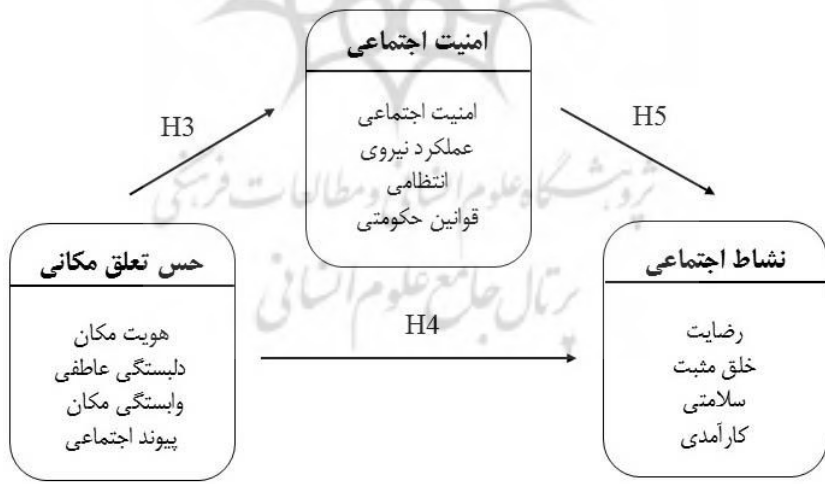
پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۵)

جدول (۲): خلاصه چارچوب نظری پژوهش

توضیحات	نظریه پردازان	رویکرد نظری
شهر دوستدار کودک به این معنی است که دولتمردان چگونه این شهرها را براساس علایق بچه‌ها اداره می‌کنند و نیز شهرهایی که حقوق کودکان مثل سلامت، حمل‌ونقل، حمایت اجتماعی، آموزش و فرهنگ رعایت می‌شود. شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب برای کودک نیست بلکه شهری است که به‌وسیله خود کودکان ساخته می‌شود	Carci (2002) Aitken&Stoneham (2008)	شهر دوستدار کودک
وایت به‌عنوان جامعه‌شناس معتقد بود مردم عادی شهر نباید اجازه دهند تا اماکن عمومی در اختیار بزهکاران قرارگیرد. هرچقدر تعداد مردم در این مکان بیشتر باشد بزهکاران کمتر ظاهر خواهند شد. در بسیاری از شهرها بوستان‌ها از حالت عمومی خارج شده و به فضایی در اختیار بزهکاران تبدیل شده است. او معتقد بود اگر در مراکز عمومی تعداد زیادی از زنان و دختران وجود داشته باشند نشان‌دهنده این است که مدیریت خوبی در شهر وجود دارد	وایت (۱۹۸۸)	فضای شهر و امنیت
کاملیو سیتته معتقد بود شهر باید حافظ منافع و ضامن خوشبختی ساکنانش باشد. در واقع، بوستان‌ها و فضاهای عمومی شهر نقش سوپاپ اطمینان را ایفا می‌کنند زیرا در این مکان‌ها طبقات و قومیت‌های مختلف با هم ادغام می‌شوند. بوستان‌ها همچنین نقش هماهنگ‌کننده رفتار مردم را دارند	کاملیوسیتته (۱۹۰۳)	
از نظر او عناصر اساسی شهر عبارت‌اند از: مردم، خیابان‌ها، بوستان‌ها، محله‌ها، دولت و اقتصاد. این عناصر نمی‌توانند بدون یکدیگر پیوند و رابطه داشته باشند. مهمترین رکن یک شهر خیابان‌های آن است. اگر خیابان‌ها جالب و پاکیزه باشند شهر زیبا به نظر می‌رسد و برعکس، زمانی شهر امن است که خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن امن باشند. شهر مملو از غریبه‌ها است و مهم این است که فرد در میان تمام آنها احساس امنیت کند	جین جکوبز (۱۹۶۱)	حس تعلق به مکان
از نظر هیومن حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان وحدت به‌وجود می‌آورد و فضا باید هویت قابل‌ادراکی داشته باشد تا حس مکان را ایجاد کند. این نوع حس مکان می‌تواند احساس تعلق نیز به همراه داشته باشد	هیومن (۱۹۹۲)	
حس مکان به هویت‌مندی افراد و احساس تعلق آنها به مکان کمک می‌کند	برینکرهوف (۱۹۹۴)	
تعلق مکان را رابطه هویتی فرد به محیط اجتماعی می‌دانند، احساس	روانشناسان محیطی	

توضیحات	نظریه پردازان	رویکرد نظری
تعلق و دلبستگی به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. در این حالت آدمی نقشی برای مکان در ذهن متصور می‌شود که مکان را برای وی با اهمیت و محترم متجلی می‌سازد		
سقراط، افلاطون و ارسطو نشاط را با سلامتی، ثروت و وقایع زندگی روزمره مرتبط دانسته‌اند و معتقد بودند شادی و نشاط مربوط به یک لحظه از زمان نیست بلکه مربوط به کل زندگی است	سقراط و افلاطون	شادی و نشاط
تحقیقات نشان داده است افرادی که شاد هستند احساس امنیت بیشتری می‌کنند، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، روحیه مشارکتی بیشتری دارند. هلیز و آرگایل معتقدند که یک همبستگی قوی، بین شادی و برون‌گرایی وجود دارد.	هلیز و آرگایل (۲۰۰۱)	
آرجل و کروسلند بیان کرده‌اند که نشاط دارای سه شاخصه مثبت یا خوشی، احساس رضایت از زندگی و فقدان احساس منفی از نظر اضطراب و افسردگی است.	آرجل و کروسلند (۱۹۸۷)	

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)



نمودار (۱): مدل مفهومی پژوهش

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

تجزیه و تحلیل داده‌ها

اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد که ۴۰٪ از پاسخ‌دهندگان زن و ۶۰٪ مرد می‌باشند. در این پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. یک مدل کامل معادله ساختاری شامل دو مؤلفه است: یک مدل ساختاری که ساختار علی مفروض بین متغیرهای مکنون را مشخص می‌نماید و یک مدل اندازه‌گیری که روابط بین متغیرهای اندازه‌گیری شده و متغیرهای مکنون را تعریف می‌کند (هومن، ۱۳۹۰: ۵۰۳). از آنجایی که برای سنجش فرضیه‌ها از تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر استفاده شده لذا، لازم است در ابتدا سازگاری داده‌ها و معناداری روابط آنها آزمون شود. برای این کار از آزمون KMO به منظور تعیین کفایت حجم نمونه استفاده شده است. شاخص KMO در این پژوهش برابر ۰/۸۸۴ به دست آمد که نشان‌دهنده کفایت نمونه و مناسب بودن تحلیل عاملی برای عوامل است. همچنین، معنادار شدن آزمون بارتلت، که پیش‌تر ذکر شد، نیز نمایانگر روابط معناداری بین متغیرهای تحلیل عاملی و مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است.

جدول (۳): پراکندگی جمعیت آماری براساس جنسیت و تحصیلات

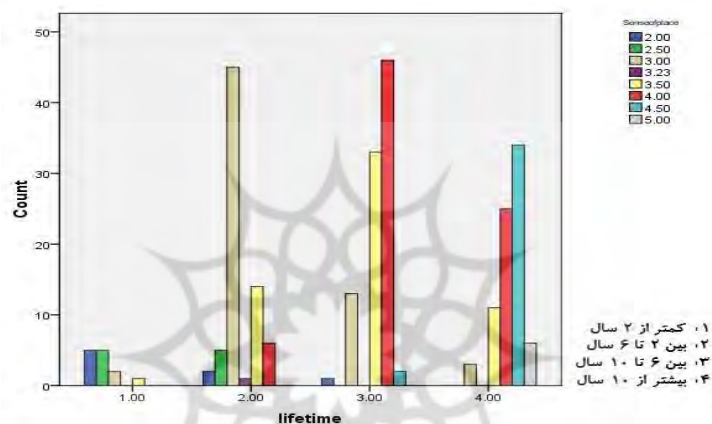
جمعیت آماری		مدت زمان زندگی در محل	کمتر از ۲ سال	بین ۲ تا ۶ سال	بین ۶ تا ۱۰ سال	بیشتر از ۱۰ سال
جنسیت	مرد					
جنسیت	تعداد	۸	۳۴	۵۲	۶۰	
	درصد در جمعیت	۵,۲۰	۲۲,۱۰	۳۳,۷۰	۳۹	
جنسیت	تعداد	۷	۴۰	۴۱	۱۸	
	درصد در جمعیت	۶,۵۰	۳۷,۷۵	۳۸,۷۰	۱۷,۰۵	
جمع	تعداد	۱۵	۷۴	۹۳	۷۸	
	درصد در جمعیت	۵,۷۵	۲۸,۴۵	۳۵,۷۵	۳۰,۰۵	

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

بررسی فرضیه اول

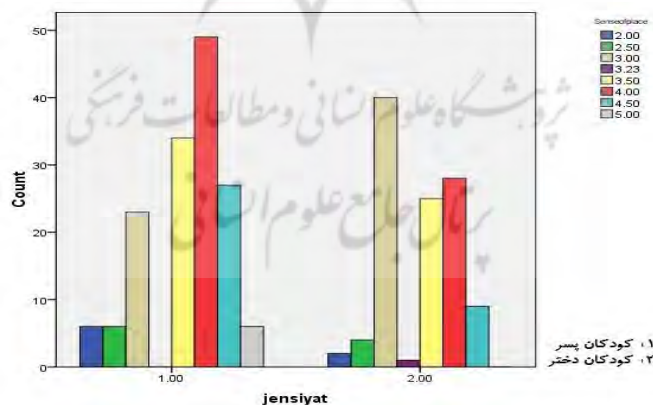
بررسی آمار توصیفی به دست آمده در جمعیت نمونه مورد مطالعه از نظر مؤلفه‌های حس تعلق مکان، امنیت اجتماعی و نشاط اجتماعی دارای نتایج فراوانی می‌باشد:

حس تعلق مکان: بررسی نمودارهای توصیفی نشان داد که حس تعلق مکانی رابطه مستقیم با مدت زمان زندگی فرد یک محله دارد به طوری که کمترین میزان حس تعلق مکانی در جمعیت نمونه مربوط به کودکانی بود که کمتر از ۲ سال است که در محله فعلی خود زندگی می کنند و بیشترین آن نیز مربوط به کودکانی بود که بیشتر از ۱۰ سال است که در محله فعلی خود زندگی می کنند (نمودار ۲). بررسی حس تعلق مکانی از نظر جنسیت نیز نشان داد که میزان حس تعلق مکانی در کودکان پسر بیشتر از کودکان دختر در محدوده مورد مطالعه می باشد (نمودار ۳).



نمودار (۲): بررسی حس تعلق مکانی بر حسب جنسیت کودکان

(منبع: پردازش‌های مقاله، ۱۳۹۵)



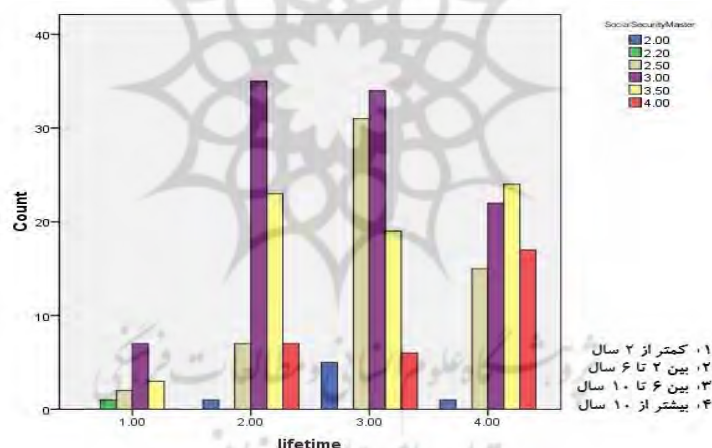
نمودار (۳): بررسی حس تعلق مکانی بر حسب تعداد سال‌های زندگی کودکان

(منبع: پردازش‌های مقاله، ۱۳۹۵)

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۵)

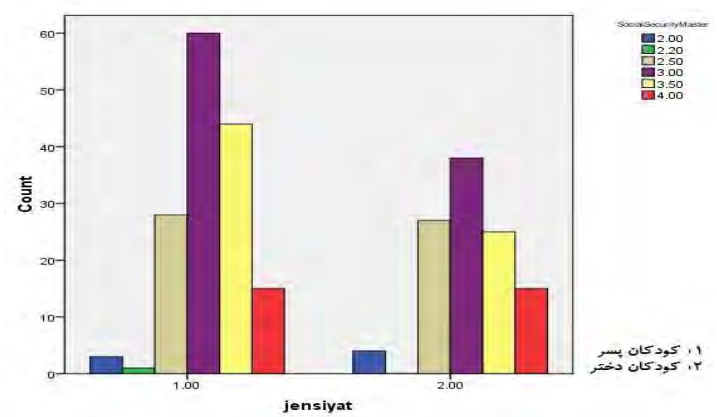
امنیت اجتماعی: بررسی امنیت اجتماعی در جمعیت نمونه مورد مطالعه مشخص کرد که میزان امنیت اجتماعی موجود رابطه مستقیم و معناداری با تعداد سال‌هایی که کودکان در محله خود زندگی کرده‌اند دارد. در این میان کمترین میزان احساس امنیت اجتماعی مربوط به کودکانی بود که کمتر از ۲ سال در محله خود زندگی کرده بودند و بیشترین آن نیز مربوط به کودکانی بود که بیشتر از ۱۰ سال در محل فعلی خود زندگی کرده بودند (نمودار ۴). از نظر جنسیت نیز به نظر می‌رسد کودکان پسر احساس امنیت بیشتری نسبت به کودکان دختر می‌کنند (نمودار ۵).

نشاط اجتماعی: از نظر شاخص نشاط اجتماعی نیز نمودارهای توصیفی نتایج مشابهی را نشان می‌دهند که حاکی از ارتباط مستقیم و معنادار نشاط اجتماعی با مدت زمان زندگی در یک محله است (نمودار ۶). البته وضعیت نشاط اجتماعی در جمعیت نمونه متوسط ارزیابی می‌شود. همچنین، به نظر می‌رسد در جامعه مورد مطالعه کودکان پسر شادتر از کودکان دختر هستند (نمودار ۷).

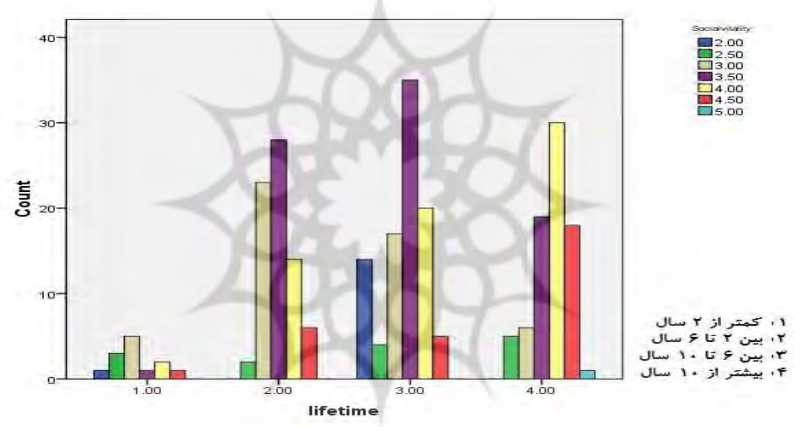


نمودار (۵): بررسی نشاط اجتماعی بر حسب جنسیت کودکان

(منبع: پردازش‌های مقاله، ۱۳۹۵)

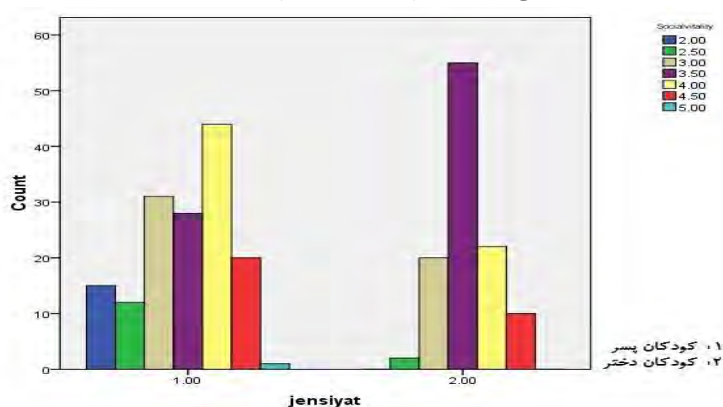


نمودار (۴): بررسی امنیت اجتماعی بر حسب تعداد سال‌های زندگی کودکان
(منبع: پردازش‌های مقاله، ۱۳۹۵)



نمودار (۷)
(منبع: پردازش‌های مقاله، ۱۳۹۵)

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۵)



نمودار (۶): بررسی نشاط اجتماعی برحسب تعداد سال‌های زندگی کودکان

(منبع: پردازش‌های مقاله، ۱۳۹۵)

بررسی فرضیه دوم و آزمون مدل‌های اندازه‌گیری

قبل از انجام آزمون مدل ساختاری برای اطمینان از صحت مدل اندازه‌گیری از روش تحلیل عاملی تأییدی برای آزمون مدل‌های اندازه‌گیری استفاده می‌شود. در روش تحلیل عاملی تأییدی روابط بین مجموعه‌ای از شاخص‌ها و عوامل مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت، به برآورد بار عاملی پرداخته می‌شود. در واقع، در این تحلیل ارتباط بین متغیر مکنون (عوامل) و متغیرهای مشاهده‌پذیر (گویه‌ها) مورد بررسی قرار می‌گیرد. بار عاملی معرف همبستگی شاخص با عامل مربوطه است. در نتیجه، تفسیر آن مشابه با آزمون همبستگی است (هومن، ۱۳۹۰: ۲۶۶). جدول شماره (۴) نتایج مربوط به عوامل تحلیل عاملی تأییدی را برای ۳ عامل مدل مفهومی پژوهش نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود بارهای عاملی مناسب و معنادار می‌باشند.

جدول (۴): خلاصه نتایج تحلیل عاملی تأییدی و برازش مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش

عامل	شاخص	پرش‌ها	بار عاملی	آماره T	R ²
حس تعلق مکانی	هویت مکان	LI1	۰/۶۶	۱۰/۷۷	۰/۵۷
		LI2	۰/۷۶	۱۲/۵۴	۰/۴۲
		LI3	۰/۵۴	۹/۸۴	۰/۴۱
دلبستگی عاطفی		EA1	۰/۷۰	۱۱/۴۳	۰/۵۱
		EA2	۰/۶۴	۱۰/۳۱	۰/۵۹
		EA3	۰/۵۸	۹/۱۴	۰/۶۷

عامل	شاخص	پرسش‌ها	بار عاملی	آماره T	R ²
	وابستگی مکان	SD1	۰/۳۶	۵/۰۴	۰/۸۷
		SD2	۰/۵۹	۸/۰۴	۰/۶۶
		SD3	۰/۵۰	۶/۹۹	۰/۷۵
	پیوند اجتماعی	SL1	۰/۵۲	۷/۲۲	۰/۷۳
		SL2	۰/۷۳	۴/۲۹	۰/۹۱
		SL3	۰/۶۲	۶/۸۴	۰/۷۶
	امنیت اجتماعی	SS1	۰/۶۲	۹/۲۱	۰/۶۲
		SS2	۰/۷۳	۱۰/۸۵	۰/۴۷
		SS3	۰/۶۲	۹/۱۸	۰/۶۲
امنیت اجتماعی	عملکرد نیروی انتظامی	PP1	۰/۶۰	۸/۰۹	۰/۶۴
		PP2	۰/۷۱	۹/۲۱	۰/۵۰
		PP3	۰/۴۹	۶/۶۷	۰/۷۰
	قوانین حکومتی	STL1	۰/۷۲	۱۱/۶۵	۰/۴۸
		STL2	۰/۸۷	۱۴/۱۳	۰/۲۴
		STL3	۰/۵۴	۸/۴۴	۰/۷۱
	سلامتی	HE1	۰/۳۵	۴/۶۲	۰/۸۸
		HE2	۰/۴۵	۵/۳۵	۰/۸۰
		HE3	۰/۱۷	۲/۸۹	۰/۹۷
	رضایت	SA1	۰/۷۰	۱۰/۳۰	۰/۵۱
		SA2	۰/۶۴	۹/۴۱	۰/۵۹
		SA3	۰/۶۰	۸/۷۶	۰/۶۴
نشاط اجتماعی	خلق مثبت	PM1	۰/۴۳	۶/۴۷	۰/۸۲
		PM2	۰/۷۲	۱۱/۸۸	۰/۴۸
		PM3	۰/۷۳	۱۱/۹۳	۰/۴۱
	عزت نفس	SE1	۰/۶۶	۱۰/۳۴	۰/۵۷
		SE2	۰/۸۱	۱۲/۶۰	۰/۳۴
	کارآمدی	EF1	۰/۶۶	۱۰/۰۱	۰/۵۶
EF2		۰/۳۱	۴/۶۵	۰/۹۰	
EF3		۰/۵۲	۸/۰۱	۰/۷۳	

(منبع: پردازش‌های مقاله، ۱۳۹۵)

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۵)

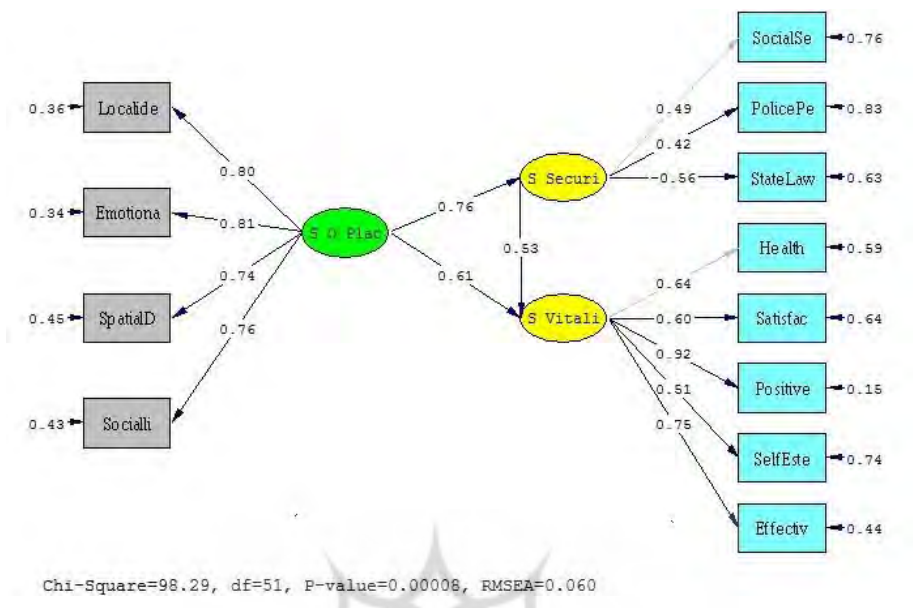
باتوجه به مناسب بودن تمامی شاخص‌های برآزش مدل‌های اندازه‌گیری و همچنین مناسب بودن بارهای عاملی و ضرایب معناداری حاصل از تحلیل عاملی تأییدی مدل‌های اندازه‌گیری خوانایی، سرزندگی و ایمنی و امنیت برای ورود به معادلات ساختاری و بررسی روابط بین متغیرهای مکنون مناسب می‌باشد.

بررسی فرضیه‌های دوم تا چهارم

پس از اطمینان نسبی از قابل قبول بودن مدل‌های اندازه‌گیری می‌توان به برآورد و آزمون مدل مفهومی پژوهش از طریق مدل‌یابی معادلات پرداخت. از آنجایی که مدل مفهومی پژوهش درصدد بررسی روابط علی مؤلفه‌های شهرهای دوستدار کودک می‌باشد از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. تصویر شماره (۱) رابطه بین حس تعلق مکان بر امنیت اجتماعی، حس تعلق مکانی بر نشاط اجتماعی و امنیت اجتماعی بر نشاط اجتماعی را در حالت استاندارد مشخص می‌کند. این مدل بیانگر همبستگی مثبت و معنادار میان مؤلفه اصلی پژوهش می‌باشد. همچنین شاخص‌های برآزش مدل همگی در شرایط مطلوب می‌باشند.

همان‌طور که نتایج حاصل از تحلیل مسیر مدل پژوهش نشان می‌دهد تمامی فرضیه‌های پژوهش تأیید شده‌اند به گونه‌ای که حس تعلق مکانی با ضریب مسیر ۰/۷۶ تأثیر مثبت و معناداری بر امنیت اجتماعی دارد. همچنین، حس تعلق مکانی با ضریب ۰/۷۶ تأثیر مثبت و معنادار بر ایمنی و امنیت را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، امنیت اجتماعی نیز با ضریب مسیر ۰/۵۳ داری تأثیر مثبت و معنادار بر نشاط اجتماعی می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر(۱): مدل معناداری مؤلفه‌های اصلی پژوهش
(منبع: پردازش‌های مقاله، ۱۳۹۵)

نتیجه‌گیری

هدف از مقاله حاضر بررسی تأثیر حس تعلق مکانی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های شهرهای دوستدار کودک بر امنیت اجتماعی و نشاط اجتماعی به‌عنوان مؤلفه‌های دیگر آن می‌باشد. در این راستا نخست سعی شد تا به‌صورت اجمالی پیشینه و چهارچوب نظری شهرهای دوستدار کودک معرفی شود تا از این‌گذر شناخت مؤلفه‌های اصلی آن روشن‌گردد. در گام بعدی با استفاده از معادلات اندازه‌گیری و ساختاری به بررسی معناداری روابط بین مؤلفه‌های شهرهای دوستدار کودک پرداخته شد به این صورت که در مرحله اول با استفاده از مدل اندازه‌گیری و تحلیل عاملی تأییدی با توجه به مناسب بودن بارهای عاملی و ضرایب معناداری مؤلفه‌های حس تعلق مکانی، امنیت و نشاط اجتماعی برای ورود به معادلات ساختاری و بررسی روابط بین آنها مناسب تشخیص داده شد. در مرحله بعدی نیز با استفاده از مدل‌های ساختاری تأثیر مؤلفه حس تعلق مکان بر امنیت و نشاط اجتماعی بررسی شد. نتایج پژوهش حاکی از تأیید تمامی فرضیه‌های پژوهش می‌باشد.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۵)

فرضیه نخست که به منظور بررسی چگونگی وضعیت حس تعلق مکان، امنیت و نشاط و روابط آنها با مدت زمان زندگی کودکان در محله و جنسیت آنها صورت پذیرفت نشان داد که میزان حس تعلق مکان، امنیت و نشاط اجتماعی به صورت مستقیم و معناداری به مدت زمان زندگی یک کودک در محله خود بستگی دارد. بنابراین، پیشنهاد می شود با توجه به ایرادهایی که به شهرسازی معاصر ما وارد است و امروزه شاهد کاهش سطح تعاملات اجتماعی در محله ها هستیم خانواده ها تلاش کنند در صورت امکان کمترین جابه جایی را از نظر مکانی داشته باشند تا پیوندهای اجتماعی کودکان در محله و شهر شکل گیرد و از طریق ارتقای حس تعلق مکانی حس امنیت و نشاط اجتماعی آنان بهبود یابد.

فرضیه دوم که به منظور سنجش مدل های اندازه گیری پژوهش طراحی شده بود توسط روش تحلیل عاملی تأیید شد. نتایج حاصل از این فرضیه نشان دهنده معنادار بودن گویه های پژوهش بود.

فرضیه سوم به منظور بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر امنیت اجتماعی اتخاذ شده بود که نتایج پژوهش نشان داد حس تعلق مکانی با ضریب مسیر ۰/۷۶ اثر مثبت و معناداری بر امنیت اجتماعی دارد. حس تعلق مکانی با توجه به شاخص های خود مانند دلبستگی عاطفی، پیوند اجتماعی و هویت مکان باعث می شود افراد نسبت به مکانی که در آن زندگی می کنند نوعی احساس تعلق داشته باشند و در نتیجه این احساس باعث احترام هر چه بیشتر به قوانین حکومتی، کاهش میزان جرم در محله و بهبود عملکرد نیروی انتظامی شود. به این ترتیب پیشنهاد می شود مراکز و سازمان های مسئول همانند شهرداری ها در جهت فراهم کردن ویژگی های یک شهر دوست داشتنی از نگاه کودکان مانند ایجاد فضاهای سبز، فضاهای بازی، در نظر گرفتن امکانات مناسب کودکان و مشارکت آنها در تصمیم گیری های محله ای و شهری همت بیشتر داشته باشند تا بتوان در راستای ارتقای حس تعلق در کودکان گام برداشت و زمینه سازی بهبود امنیت و نشاط اجتماعی در آنها را فراهم کرد.

نتایج حاصل از فرضیه چهارم پژوهش نشان دهنده تأثیر مثبت و معنادار حس تعلق مکانی با ضریب مسیر ۰/۶۱ بر نشاط اجتماعی می باشد. حس تعلق کودک نسبت به مکانی که در آن زندگی می کند شادی را برای او به همراه دارد. شهر دوستدار کودک با توجه به

ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایش باعث افزایش سلامتی، کارآمدی و تأثیرگذاری، عزت‌نفس و خلق مثبت در کودکان می‌شود. اهمیت به کودکان و مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های محله‌ای باعث افزایش عزت‌نفس و کارآمدی و آماده‌شدن آنها برای پذیرفتن مسئولیت در جامعه می‌شود که تمامی این موارد بر نشاط اجتماعی آنها مؤثر است.

نتایج حاصل از فرضیه پنجم پژوهش نشان داد که امنیت اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر نشاط اجتماعی با ضریب مسیر $0/53$ دارد. وجود امنیت در یک شهر باعث پرورش کودکان شادتر در جامعه می‌شود. امکان بازی با همسالان، رفتن به دیدار دوستان، بازی در سطح محله، بازی در بوستان‌ها و خارج‌شدن به‌تنهایی از خانه همه از عواملی هستند که باعث افزایش نشاط کودکان می‌شوند و تنها در سایه وجود امنیت اجتماعی در شهر میسر می‌شوند.



منابع

- اسماعیلی، فاطمه (۱۳۸۵)، شهرهای جدید و خاطرات جمعی (نمونه موردی: شهر جدید مهاجران)، مجموعه مقالات شهرهای جدید، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- پوراحمد، احمد؛ قاسمی، ایرج (۱۳۸۹)، مدل سازی معادلات ساختاری در برنامه ریزی شهری، مجله سپهر، دوره ۱۹، شماره ۷۸، صص ۱۰-۱۵.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- جعفری، سیدابراهیم؛ سیادت، سیدعلی؛ بهادران، نرگس (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر در شادابی مدارس، مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، شماره ۴، صص ۳۲-۴۰.
- حسینی، سیدباقر؛ مظفر، فرهنگ؛ باقری، محمد؛ عظمتی، حمیدرضا (۱۳۸۶)، نقش فضاهای باز محله در رشد و خلاقیت کودکان، مجله باغ نظر، سال ۴، شماره ۸، صص ۵۹-۷۳.
- λ خاکپور، براتعلی و دیگران (۱۳۸۸)، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۲، صص ۵۵-۸۱.
- داداپور، سارا (۱۳۹۱)، راهکارهای افزایش سرمایه اجتماعی در مقیاس خرد در انطباق با اهداف طراحی شهری، ماهنامه طاق، شماره ۷۳، صص ۳۲-۳۵.
- دریکسل، دیوید (۱۳۸۷)، ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و نوجوانان، ترجمه مهرنوش توکلی و نوید سعیدی رضوانی، تهران: نشر دیباچه.
- دهقان منشادی، مهدی (۱۳۸۵)، توسعه پایدار در سایه روشن‌های شهر، تهران: نشر مفاخر.
- رابینگن، ارل؛ واینبرگ، مارتین (۱۳۹۳)، رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- رضوانی، محمدرضا؛ واحدی، علی (۱۳۸۸)، مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۶، صص ۴۵-۶۸.
- رفیعیان، مجتبی؛ عسگری، علی (۱۳۸۱)، سالمندان و ضرورت آمایش فضاهای شهری، همایش بین‌المللی سالمندان، دانشکده بهزیستی و توان‌بخشی.
- شرکت بین‌المللی پردازش اطلاعات نقش کلیک (۱۳۹۵)، امنیت اجتماعی کودکان در فضاهای عمومی شهر تهران از نگاه والدین، <http://www.naghclick.net/cms>.
- صرافی، مظفر (۱۳۷۹)، مبانی برنامه‌ریزی توسعه‌ای منطقه‌ای، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

- عنبری، موسی؛ حقی، سمیه (۱۳۹۳)، بررسی عوامل فردی اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان مناطق شهری و روستایی شهرستان دلیجان)، فصلنامه جامعه‌شناختی کاربردی، سال ۲۵، شماره پیاپی ۵۳، شماره ۱، بهار، صص ۱-۲۶.
- فلاح، محمدصادق (۱۳۹۴)، مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۵۷-۶۶.
- فرهادپور، رقیه؛ رجب‌پور، زهرا؛ خامسان، احمد (۱۳۹۱)، بررسی ادراک شهروندان از احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن در استان خراسان جنوبی، نشریه دانش انتظامی خراسان جنوبی، دوره ۱، صص ۲۸-۴۶.
- کامل‌نیا، حامد؛ حقیر، سعید (۱۳۸۸)، الگوهای طراحی فضای سبز در شهر دوستدار کودک (نمونه موردی: شهر دوستدار کودک بم)، مجله باغ نظر، شماره ۶ (۱۲)، صص ۶۳-۷۲.
- کربلایی حسینی غیاثوند، ابوالفضل؛ سهیلی، جمال‌الدین (۱۳۹۲)، بررسی ویژگی‌های شهر دوست‌داشتنی از نگاه کودکان (مطالعه موردی: منطقه ۲ شهرداری قزوین)، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۹، صص ۵۹-۶۸.
- ❖ کیانی، اکبر؛ اسماعیل‌زاده کواکی، علی (۱۳۹۱)، تحلیل و برنامه‌ریزی شهر دوستدار کودک (CFC) از دیدگاه کودکان (مطالعه موردی: قوچان)، فصلنامه باغ نظر، شماره ۲۰، صص ۶۲-۵۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، جهان رهاشده، ترجمه علی‌اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالواهب، تهران: انتشارات علم و ادب.
- منصوری، سیدامیر (۱۳۸۹)، چیستی منظر شهری؛ بررسی تاریخی تحولات مفهومی منظر شهری در ایران، ماهنامه منظر، شماره ۹.
- منصوری، سیدامیر؛ قره‌بیگلو، مینو (۱۳۹۰)، کیفیت فضای باز شهری در تعامل با کودکان، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۶، صص ۶۳-۷۲.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵)، مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۳، صص ۵۰-۵۸.
- میرشاه جعفری، ابراهیم؛ عابدی، محمدرضا؛ دریکوندی، هدایت‌الله (۱۳۸۱)، شادمانی و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، شماره ۳، صص ۵۰-۵۸.
- هاگت، پیتر (۱۳۷۳)، جغرافیای ترکیبی نو، ج ۱، تهران: انتشارات سمت.
- هزارجریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا (۱۳۸۸)، بررسی مفهوم شادکامی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: استان مرکزی)، برنامه‌ریزی و رفاه توسعه اجتماعی، سال ۲، شماره ۳، صص ۳۱-۷۲.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۵)
 هومن، حیدرعلی (۱۳۹۰). تحلیل داده‌های چندمتغیری در پژوهش‌های رفتاری، تهران: انتشارات
 بیک فرهنگ.

- Aarts, M.J. et al. (2011). Multi-sector policy action to create activity-friendly environments for children: A multiple-case study. *Journal of Health Policy*, (101): 11-19. Available from: [http://www.healthpolicyjrn.com/S0168-8510\(10\)00272-1/fulltext](http://www.healthpolicyjrn.com/S0168-8510(10)00272-1/fulltext).
- Hampshire Kate, R, et al. (2011). Out of the reach of children? Young people's health-seeking practices and agency in Africa's newly-emerging therapeutic landscapes. *Journal of Social Science & Medicine* (73): 402-710.
- Hetf, H. (2003). Affordances, Dynamic Experience and the challenge of reification, *Journal of Ecological psychology*, Vol: 15(2), pp: 149-180.
- Lee, N. (2001). *Childhood and Society: Growing up in an age of uncertainty*, open university press, Buckingham.
- Lyubomirsky, S; Sheldon, M.K& Schkade, D. (2005). Pursuing Happiness: The Architecture of Sustainable Change. *Review of General Psychology*, Vol.9, No.2, p:111-131.
- Mayers, D.G. (2002). Happy and healthy. Retrieved from <http://abclocal.g.com/68>.
- Montiers, J. (2004). Global Equity Strategy: If It Marker you Happy. *The Psychology of the Happiness*, pp: 1-8.
- Moor, R.C. (1990). *Childhood's domain: playandplace in child development*. Berkley: MIG communication.
- Qvortrop, J. (1993). *Childhood as a social phenomenon*. Vienna: The European Center.
- Riggio, E. (2002). Child friendly cities. Good governance in the best interests of the child. *Journal of Environment&Urbanization*. 14 (2): 45-58.
- Semken, S&Freeman, C.B. (2008). Sense of place in the Practice and Assessment of Place-Based Science Teaching, *Science* 92, pp:1042-1058. DOI: 10.1002/sce.20279.
- Skivenes, M&Strandbu, A. (2006). A child perspective and children's participation, *Journal of Children Youth and Environment*, No:16(2): pp: 10-27.
- Stoneham, A&Aitken, J. (2001). *Statement of recognition of Penrith city's aboriginal and Torres Strait Islander cultural heritage*. Australia: Penrith City Council.